

**حدیث روز:**

تحف‌العقول امام سجاد(ع)،بهترین گشاینده کارها، راستی و بهترین پایان برنده آن، وفاداری است.

**پلک احساس:**

دست بگشادامن خود را بگیر مرهم این ریش جزاین ریش نیست

**اوقات شرعی:**

اذان ظهر: ۱۲/۰۸ غروب آفتاب: ۱۷/۰۴  
 اذان مغرب: ۱۷/۲۱ نیمه شب شرعی: ۲۳/۲۳  
 اذان صبح (فردا): ۵/۴۴ طلوع خورشید(فردا): ۷/۱۴

خودنویس

گوارتر از شربت تمرهنندی...



حامد عسکری

شاعر و نویسنده

محمد می‌گوید برای حضرت زینب بنویس، می‌گویم چشم، ساعت ۱۲ است، ساعت ۵ است هنوز هیچی

توی ذهنم نرسیده

که یقاهم را بگیرد و به

بند کلماتش بکشم، می‌گویم محمد

نمی‌توانم می‌گوید: پسر تو سه بار دمشق

رفتی، راست می‌گوید سه بار دمشق رفتم و

هربار چند بار زیارتش ولی خب واقعه‌مانده‌ام

چی بنویسم ،وُرد را باز می‌کنم ، صفحه سفید

است ، نشانگر سیاهی که روی صفحه است

هی خاموش و روشن می‌شود، ترسناک‌ترین

لحظه نوشتن همین است ، هیچم هیچ ...

مونوپور را خاموش می‌کنم ، کف یک دست را

می‌گذارم پشت دستی دیگر و پیشانی‌ام را

می‌گذارم روی هر دودستم و چشم‌هایم را

می‌بندم ، صدای متواتر بوق ماشینها می‌آید،

پیاده شده‌ام ، هیچ دیواری نیست که زخمی

گلوله و ترکش نباشد ، کوچ‌های زینبیه

دارند من را قدم می‌زنند ، دیوارها آغشته به

جداریات است ، جداریات یک شبکه

اجتماعی مجازی نه که حقیقی است ، یک

شبکه اجتماعی که نه می‌شود لایکش کرد نه

می‌شود اسکرین شاتش را بگیري و برای این

و آن بفرستی ، جداریات حرف‌هایی است که

جوانان عرب با اسپری روی دیوار می‌نویسند

و تو اگر نصفه نیمه عربی بلد باشی می‌خوانی

و با لبخندی لایکشان می‌کنی، مغازه‌ها

جاندارتر می‌شوند ، مثل همه بازیهای اطراف

حرم‌های عزیزان شیعه، جنس‌هایی مشترک

دارند ، مهر، تسبیح، جانماز، سجاده، شال،

روسری، صندل و... خواهی-نخواهی

تماشایشان مشغولت می‌کند، عاقله مردی

پدیدار می‌شود ، یک ظرف بزرگ برنجی به

پشتش آویزان کرده با قلمکاری‌هایی زمخت

و بی‌سلیقه، پای طرف بزرگ شیلنگی باریک

وصل است و به کمر مرد کیسه پلاستیکی

بزرگی بسته شده که تویش لیوان یکبار

مصرف است ،

نوشیدنی تیره ای به رنگ نوشابه توی ظرف

است ، لیوانی ده هزار تومان ، و ر توریست

مغزم می‌گوید بحر ، تجربه می‌شود، می‌خرم،

شربت تمبر هندی است ، طعم غریبی دارد،

می‌خزد به جانم خنکایش در گرمای تیرماه

دمشق ، تیغه بینی‌ام درد می‌گیرد ، عکس

شهدا را تقریبا همه جا می‌شود دید ، تقریبا

توی بازار محو شده‌ام، صراف‌ها بسیازند و

پول ایرانی را به سوری تبدیل می‌کنند، بی‌هوا

یکدفعه گنبد پدیدار می‌شود، زانوهایم

سست می‌شود، اشک می‌آید حلقه بزند

ترمزش را می‌کشم ، هرجایی که مرد گنده

گریه نمی‌کند ، یک گنبد پرتقالی سرخ و براق،

با پرچمی که ۱۴۰۰ سال است همه نسیم‌های

جهان می‌آیند که در تارو پودش تابي بخورند

و متبرک شوند ،

وارد حرم شده‌ام یک صحن دارد با مرمرهایی

یک سر سفید ، انگار توی دریای شیرداری

قدم می‌زنی، صحن اول را رد می‌کنی به صحن

کوچک‌تری می‌رسی، این صحن هم مرمر

سفید است ، در حیاط چهار درخت نارنج

دلبری می‌کنند و پای نارنج چند نفر آرمیده‌اند،

کفش در می‌آورم ، گفشارد می‌گوید ایرانی

می‌گویم ایرانی، می‌گوید جیبی... پاهایم

دوستون بتونی هزار کیلویی است ، پرده

آویزان جلوی ورودی حرم را کنار می‌زنم، ضریح

هویدا می‌شود، می‌افتم به خاک، اشک امان

نمی‌دهد، ضریح در تالالو اشک خمیری

می‌شود ، وا می‌رود کش می‌آید ، خودم

نیستم ، روی زمین نیستم ، هوا مزه شربت

تمرهندی می‌دهد، سرم را از روی دست‌هایم

بر می‌دارم ، اشکم، هنوز نشانگر ورد دارد

خاموش و روشن می‌شود ، من هنوز

نخواستهم چیز ی-برایتان بنویسم،

شرمندهم خانم جان-تولدتان مبارک.

JameJam

شماره: ۳۶۳۷۰-ISSN۱۷۳۵-۰۲۱۰  
 پایگاه اطلاع‌رسانی:  
 www.jamejamdaily.ir  
 پست الکترونیکی:  
 info@jamejamdaily.ir

چهارشنبه ۱۱ دی ۱۳۹۸ | ۵ جمادی الاولی ۱۴۴۱ | ۲ صفحه | سال بیستم - شماره ۵۵۶۵۵ | استان تهران والبرز: ۲۰۰۰ تومان - دیگر استان‌ها: ۱۰۰۰ تومان Wednesday - 2020 January 1

پیش‌بینی

آب و هوا

پنجشنبه



تهران



اهواز



بوشهر



اصفهان



شیراز



مشهد



ارومیه



البرز



گیلان



مازندران



قزوین



آland



چهارمحال و بختیاری



کهگیلویه و بویراحمد



لرستان



چهارمحال و بختیاری



چهارمحال و بختیاری

**حکمت ۵۰:**

دل‌های مردم گریزان است و به کسی روی می‌آورند که خوشرویی کند.



سفت و رعیت مسؤولیت‌پذیر



امید مهدی‌نژاد

طنزنویس

در زمان‌های دور،

پادشاهی بر سرزمین

ازبکستان حکومت

می‌کرده‌که خودش

خوب-بود، اما

اطرافیانش بد بودند.

روزی پادشاه تصمیم

گرفت اطرافیان خود را

مورد سنجش قرار دهد تا ببیند کدام یک از آنها

بیشتر بدترند تا در صورت لزوم آنها را با آنها که

کمتر بدترند تعویض کند. برای این‌کار صبح زود

همراه جععی از ملازمان به یکی از راه‌های اصلی

خارج شهر که ییلاقات نزدیک شهر را به شهر

متصل می‌کردرفتند و تخته‌سنگ بزرگی را وسط

جاده قرار دادند و خود در گوشه‌ای مخفی

شدند. تاجران و صاحب‌منصبان و امرای

کشوری و لشکری و چهره‌های فضای مجازی و

سایر اشخاص مهم و معتبر دیگر که در

ییلاقات نزدیک شهر سکونت داشتند،

یکی یکی با وسیله وارد جاده می‌شدند تا به

شهر برسند و وقتی به تخته‌سنگ می‌رسیدند

نخست از شیوه اداره مملکت انتقاد می‌کردند

و حرف‌های زشتی درباره باعث و بانی‌اش

می‌زدند و سپس از کنار تخته سنگ عبور

می‌کردند و راه خود را ادامه می‌دادند و هیچ‌کس

اقدامی برای جابه‌جاکردن تخته‌سنگ انجام

نمی‌داد. تاآن‌که هنگام ظهر یک مرد روستایی

همراه خر و گاری حاوی میوه و سبزیجات به

تخته‌سنگ رسید. مرد روستایی گاری خود را

کنار ی پارک کرد و بیل خود را برداشت و با هر

زحمتی بود تخته‌سنگ را از وسط جاده به کنار

جاده هل داد و راه را باز کرد. مرد روستایی وقتی

به سمت گاری برگشت تا به سوی شهر حرکت

کند متوجه کیسه‌ای شد که زیر تخته‌سنگ قرار

داده شد بود. کیسه را باز کرد و تعداد زیادی

سکه طلا و یک تکه کاغذ در آن مشاهده کرد که

در آن نوشته بود «هر سد و مانعی می‌تواند یک

شانس برای تغییر در زندگی باشد. امضا:

پادشاه» مرد روستایی به اطراف نگاه کرد و

پادشاه را که پشت درختی مخفی شده بودند

مشاهده کرد. پادشاه مرد روستایی را صداکرد و

گفت: ای مرد روستایی، به تو تبریک می‌گویم که

یک رعیت مسؤولیت‌پذیر هستی. ملازمان نیز

از مخفیگاه خود بیرون آمدند و به مرد روستایی

تبریک گفتند و به وی اعلام کردند مقابل

دوربین مخفی قرار داشته است. سپس

دوربین‌ها را خاموش کردند و کیسه حاوی

سکه‌ها را از مرد روستایی گرفتند و یک لوح

تقدیر شهروند نمونه را به وی اعطا کردند و به

کاخ سلطنتی بازگشتند. پادشاه نیز اشخاصی

شایسته را به جای صاحب‌منصبانی که فحش

داده بودند گماشت و صاحب‌منصبان قبلی را

به مشاغل مشورتی منصوب کرد.

حرکت خودران با مسافر

پکن آزمایش خودروهای خودران به همراه مسافر آغاز کرده‌است.

به گزارش فارس، در تصویری که منتشر شده، تست‌های رانندگی خودران در جاده‌ای در پکن

پایتخت چین اجرا می‌شود. پکن روز دوشنبه یک منطقه جدید ۴۰ کیلومتر مربعی را برای

آزمایش وسایل نقلیه خودران با مسافران اضافه کرد تا میزان مساحت حرکت خودران‌ها را

افزایش دهد و از شلوغی مسیر بکاهد.



در ماه گذشته پکن، مقررات مفصلی را برای آزمایش خودروهای خودران صادر کرد، طبق

برنامه دولت انتظار می‌رود، فضاهای آزمایشی برای وسایل نقلیه هوشمند در پایتخت تا سال

۲۰۲۲ به ۵۰۰ کیلومتر مربع برسد.

روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب‌امتیاز: سازمان صداوسیما ی جمهوری اسلامی ایران ■ مدیر مسؤول: مهدی عرفاتی ■ نخستین مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی کشور دارای گواهینامه بین‌المللی ISO9001:2008

■ تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجد الغدیر، شماره ۱۳۹  
 ■ تلفن: ۰۲۱ - ۲۳۰۴۰۰۰ ■ دوزنگار تحریریه: ۲۲۲۲۶۲۵۲  
 ■ سازمان شهرستان‌ها: ۴۵۸۹۷ ■ کد پستی: ۱۹۱۱۶۱۸۴۱۳۰  
 ■ امور مشترکین: ۴۴۲۶۹۳۰ ■ سازمان آگهی‌ها: ۴۹۱۰۵۰۰۰  
 ■ پیامک: ۳۰۰۰۱۲۴۰ ■ روابط عمومی: ۲۲۲۶۲۱۲۴  
 ■ چاپ: به‌صورت همزمان در تهران و شهرستان‌ها (چاپخانه‌های روزنامه جام‌جم)

**سندج**



سندج



زنجان



زابل



زاهدان



رشت



تبریز



بوشهر



را مطرح کرده و در رفع آنها موثر باشد؟ این کارگردان می‌گوید، راستش را بخواهید در تلویزیون ما نمی‌توانیم درباره اصناف و مشاغل مختلف فیلم می‌سازیم، نزدیک هر شغلی که می‌شوی گروهی معترض می‌شوند. صاحبان حرفه‌های مختلف توقع دارند فقط از آنها تعریف و تمجید شود و هیچ انتقادی به آنها نشود. در زمان ساخت سریال پرستاران آن قدر اما و اگرها زیاد شد که جایی از کار احساس کردم باید سریالی در تمجید پرستاران بسازم و آنها را رافرشته‌هایی نشان دهم که اصلا زمینی نیستند! درحالی که پرستاران هم آدمیزاد هایی هستند رادرست انجام ندهند یا در محل کار و زندگی خود مشکلاتی داشته باشند که برای حل آنها گاهی درست عمل می‌کنند و گاهی نه.

**تفاوت تاثیرگذاری بافرمایشی**

این کارگردان که سریالی مانند او یک فرشته بود را در کارنامه خود دارد، می‌گوید: اگر صاحب حرفه‌های

حمله تماس‌ها به گورخرها

گورخرهای جوان هنگام عبور از رودخانه پارک ملی و ذخیره گاه ماسایی مارا در کنیا گرفتار آرواره های

تماس‌های گرسنه شدند.

به گزارش فرارو، جولیوس دادالتی، عکاس حیات وحش

لحظات عبور گله بزرگی از گورخرها از رودخانه ماسایی را به تصویر کشیده است. این عکاس می

گوید تماس‌ها گاهی مدت زیادی غذا نمی‌خورند



لیخند به درد

باور کن مردم فرق لیخند پرستار و مهماندار را می‌فهمند. تا حالا فکر کردی چرا زیر تابلوی آن دختر پرستار که انگشتش را جلوی بینی‌اش گرفته، بلند بلند حرف می‌زنند؟ چون آن تابلوی (لطفاً سکوت را رعایت فرمایید) تصویر درستی از پرستار تابلوی لیخند نیست که درد را ببیند و بی تفاوت لیخند بزند. آینه هم نیست که درد را ببیند و همه‌اش را به صاحب درد منعکس کند. پرستار درد را می‌بیند و درد را منعکس می‌کند و لیخند می‌زند تا بیمار لیخند زدن به درد را یاد بگیرد. فرق پرستار و مهماندار نوع لیخند است.

علی زئوف



عکس: مهر